

حکمرانی جهادی

(درآمدی بر تحلیل سیره سردار سلیمانی از دیدگاه آموزه‌های حکمرانی)

مهدی مزینانی^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

چکیده

این پژوهش، توصیفاتی که از سبک و سیره شخصی و شخصیتی سردار سلیمانی در کلام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ارائه شده را از دید آموزه‌های حکمرانی تحلیل کرده، با این هدف که امتیازات و تمایزات آن را شناسایی و الگویی مقدماتی بر مبنای یافته‌ها ترسیم کند. در این راستا از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. پس از تحلیل نمونه آماری تمام‌شمار از بیانات منتشرشده درباره سردار سلیمانی، ۲۷ شناسه استخراج شد که پنج گروه از آنها برآمد. سرانجام مقوله‌هایی در دو بعد فردی و اجتماعی شکل گرفت که در مقام انتزاع با نظام مفهومی «حکمرانی جهادی» تبیین نظری شد. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی حکمرانی جهادی با محوریت و مرکزیت مفهوم جهاد در معنای عام آن، از جهت مبانی و خاستگاه، مفهوم اثربخشی و جایگاه جهاد و مجاهدت حکمران در آن از دیگر الگوهای معرفی شده حتی الگوهای بومی، متمایز بوده و شاخص‌های یادشده جزء ماهوی آن به‌شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی خوب، حکمرانی جهادی، ابعاد فردی و اجتماعی، حکمرانی، مکتب

سردار سلیمانی.

مقدمه

حکمرانی^۱ مفهومی تازه و نوپدید در عرصه اداره عمومی جامعه و دانش‌های ناظر بر آن چون علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت است که با سیاست‌های بانک جهانی و در نسبت با کشورهای در حال توسعه، طرح و گسترش ویژه‌ای پیدا کرد (رضائی و توحیدفام، ۱۳۹۷: ۳۶). خاستگاه یادشده، اقتضانات ایدئولوژیکی و ارزشی حکمرانی را برجسته کرده و در کنار حامیان و هواداران، مخالفت‌ها و مقاومت‌هایی را نیز برانگیخت. رویکرد میانه‌ای نیز به حکمرانی ایجاد شد و آن استفاده از توان نظری و ظرفیت‌های علمی این بحث برای کاربرت در حوزه‌های عملی و زندگی اجتماعی با رعایت اقتضانات و ملاحظات بومی و داخلی است.

هم‌اکنون، رشد فزاینده حکمرانی به جهت جغرافیایی و جاگیری آن در نظام‌های آموزشی کشورهای گوناگون به ویژه در سطوح آموزش عالی و دانشگاهی (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۱۳۹۷) همراه با افزایش حوزه‌های علمی و مطالعاتی که این مفهوم در آنها طرح و برای حل مسائل به کار گرفته شده (مانند حکمرانی آموزش عالی) و شاید مهم‌تر از اینها داعیه‌ای که حکمرانی برای پیشگیری و حل مسائل بزرگ و فرابخشی جهانی (مانند مشکلات زیست‌محیطی و ملی) دارد، این مفهوم را غیرقابل چشم‌پوشی و حتی شایسته توجه و کاوش علمی و نظری کرده است. با تمام تلاش‌ها، «حکمرانی» را می‌توان هنوز مفهومی در حال «تکوین» و «شدن» دانست. بخش عمده‌ای از ادبیات این بحث، با این‌گونه گزاره‌ها آغاز می‌شود که: «از حکمرانی تعریف‌های بسیاری ارائه شده...» یا «حکمرانی مفهومی مبهم است...» و بیشتر این گزاره‌ها را به ضعف یا ناکارآمدی حکمرانی معنا کرده‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد وضعیت پیش‌گفته برای مفهومی که در حال تکوین است می‌تواند امتیاز و نقطه‌قوت باشد و بلکه بر توان انعطاف و سازگاری آن با زیست‌بوم‌های معرفتی و دانشی گوناگون دلالت داشته باشد.

«تکوین» و «انعطاف‌پذیری» به‌عنوان دو ویژگی فعلی حکمرانی، یک نیاز و یک فرصت ایجاد می‌کند: نیاز به پژوهش‌های بیشتر و بحث‌های گسترده‌تر برای افزایش بار معنایی (نظری، مفهومی، الگویی) حکمرانی و فرصت مشارکت و هویداسازی ظرفیت‌های دیگر کشورها برای تکمیل و تکامل این حوزه معرفتی تازه و طرح ایده‌ها یا الگوهای تازه‌ای که در چارچوب این مفهوم امکان ارائه دارد. جمهوری اسلامی ایران که در پی پیروزی انقلاب اسلامی، دست‌کم به جهت ایدئولوژیکی در دوره

دوقطبی مکتبی، راه سومی را طرح و کوشش کرده است آن را مطرح و مستقر کند، در فرصت‌هایی از این دست، می‌تواند و به‌جهت آرمان‌ها و اهداف متعالی خود، بناچار باید حضوری بیشتر و مؤثرتر داشته باشد تا پیش از تکوین و ساخت‌یافتگی مفاهیمی مانند حکمرانی، نه‌تنها آنها را برای وضعیت خود، تعدیل و متعادل کند، که با کمک نظام و دستگاه معرفتی متکی به‌وحی خود، آنها را تعالی بخشد و متعالی کند. در این راستا، یکی از راه‌ها می‌تواند توجه به الگوهای جهادی از حکمرانی باشد که «به غمزه‌ای مسئله‌آموز صد مدرس» شده است و زندگی آنها، نماد و نمایان‌گر فلسفه‌ها و نظریه‌های اجتماعی متمایز و تازه‌ای است.

معرفی و مطالبه «قاسم سلیمانی» نه به‌عنوان شخص و شخصیت که به‌عنوان «مکتب» از سوی مقام معظم رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷) بر چند نکته هم‌پیوند با این بحث دلالت دارد، از جمله اینکه سردار سلیمانی توان و بلکه استحقاق مطالعه و بررسی علمی و تولید و معرفی یک نظام فکری کامل و جامع را دارد و اینکه در مطالعه جنبه‌های شخصیتی ایشان تنها نباید به وجه امنیتی و جهادی محدود شد، بلکه ساحت‌های دیگر فکری و زندگی او نیز شایسته و بایسته نظریه‌پردازی است. چنانکه مکتب و مکاتب، چنین رویکرد و ظرفیتی را دارند. برای تحقق چنین امر مهمی، می‌توان رویکردی تأسیسی داشت؛ یعنی با ذهنی خالی از هر مفهوم و ارزشی، موضوع را کاویده و یافته‌ها را کنار هم چید و سرانجام آنها را به‌صورت مکتب، نظام یا نظریه صورت‌بندی کرد یا با رویکردی امضایی، به‌کمک چارچوب‌های نظری و مفهومی، ضمن دیدن آنچه دیگران دیده‌اند، مطلبی یا چشم‌اندازی هم به آن افزود. هر رویکرد، امتیاز خود را دارد، اما برای این بحث، رویکرد دوم برتری دارد، چرا که هدف، تحلیل و سپس تبدیل تجربه زیسته به الگو یا چارچوب نظری و آماده‌سازی دست‌مایه‌های لازم برای برساخت یک مکتب است، به‌گونه‌ای که بتواند ضمن حفظ ماهیت جدا و مستقل، برای اثربخشی و پیشبرد مقاصد و اهداف، امکان تعامل و تبادل با دیگر مکتب‌ها را پیدا کند، یا دست‌کم مقاومت‌ها را در شناخت و معرفی خود کمتر کند.

بر این مبنا، حوزه‌های گوناگون علمی مانند فلسفه، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، امکان کاربست برای تولید یا فراهم‌سازی بسترهای مورد نیاز مکتب را دارد و از جمله، امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظری «حکمرانی» برای تحلیل وجه مکتبی سردار سلیمانی فراهم می‌آید. پرسش‌های گوناگونی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حکمرانی برای تحلیل وجه مکتبی سیره سردار سلیمانی می‌توان

مطرح کرد که هر کدام ارزش معرفتی و نظری خاص خود را دارد و از جهتی، نسبت به دیگری برتری ندارد، اما پرسشی که در این پژوهش محوریت دارد به شرح زیر قابل صورت‌بندی است:

«ویژگی‌ها و جهات مابه‌الامتیاز حکمرانی در مکتب سردار سلیمانی چیست؟»

چارچوب نظری

حکمرانی و به تعبیر دیگر، حکمرانی خوب، ادبیات پرباری دارد. همین ویژگی، پژوهشگران را برای کاربست آن در حوزه‌های گوناگون، توانمند کرده و چشم‌اندازهای گوناگونی پیش روی آنان می‌گذارد. کویمان^۱ (۱۹۹۹: ۶۹) ده تفاوت معنایی از حکمرانی را از هم جدا می‌کند: حکمرانی به‌عنوان دولت کوچک؛ حکمرانی شرکتی؛ حکمرانی به‌عنوان مدیریت دولتی نوین؛ حکمرانی خوب؛ حکمرانی به‌عنوان دولت سایبرنتیک اجتماعی؛ حکمرانی به‌عنوان شبکه‌های خودسامان‌ده؛ حکمرانی به‌عنوان کنترل؛ حکمرانی به‌عنوان سبک و شیوه بین‌المللی؛ حکمرانی به‌عنوان حاکمیت اقتصاد یا بازیگران اقتصادی؛ حکمرانی و قابلیت حکمرانی. این تفاوت‌ها می‌تواند برآیند تنوع قلمروها و موضوعات یا سطوح مسائلی باشد که حکمرانی عهده‌دار پاسخگویی به آنها شده است. گوناگونی تعریف‌ها از اشتراک نظر در این مفهوم نکاسته، بلکه در ادبیات موجود، هم‌نظری‌ها و دیدگاه‌های همانند یا نزدیک به هم نیز می‌توان شناسایی کرد. برای نمونه، افزایش مشارکت یا نقش گروه‌های غیرحاکمیتی در فرآیند اداره امور را می‌توان یکی از این مشترکات دانست که پشتوانه نظری آن مردم‌سالاری است. ساده‌ترین ایده‌های مردم‌سالاری، شامل مشارکت مستقیم شهروندان در اداره کردن سازمان‌ها یا جوامع‌شان می‌شود (هیل، ۱۳۹۷: ۴۸). نگاهی به شاخص‌هایی که برای معرفی حکمرانی در منابع گوناگون^۲ عنوان شده، می‌تواند ضمن ترسیم اشتراکات، گذار به انتخاب یا تدوین تعریف را آسان سازد. این مهم در جدول شماره ۱ انجام شده است.

1. Kooiman

۲. برای نمونه ن.ک. به: جاسبی و نفری، ۱۳۸۸؛ الوانی و علیزاده ثانی، ۱۳۸۷؛ درزی و صدریه، ۱۳۹۴؛ علویان و زارع‌پور،

جدول ۱. تحلیل حکمرانی بر پایه شاخصه‌ها در برخی از دیدگاه‌ها

منبع	بانک جهانی	کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه	کافمن و همکاران	برنامه توسعه سازمان ملل
سال انتشار اثر	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۲	۱۹۹۷
شاخصه‌های تعیین شده برای حکمرانی	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون ^۱
	*	شفافیت	*	شفافیت ^۲
	حق اظهار نظر و پاسخگویی ^۳	مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی	آزادی شهروندان برای اظهار نظر و پاسخگویی دولتمردان	مسئولیت‌پذیری ^۴ ، پاسخگویی ^۵
	*	مشارکت،	*	مشارکت ^۶
	کارایی و اثربخشی دولت در انجام وظایف محوله	کارایی و اثربخشی	کارآمدی دولت	اثربخشی و کارایی ^۷
	*	اجماع‌محوری	*	اجماع‌مداری ^۸
	*	عادلان و فراگیر	*	عدالت
	ثبات سیاسی و نبود خشونت ^۹	*	بی‌ثباتی سیاسی	*
	بارمالی مقررات: مقررات اضافی و هزینه‌های آن	*	کیفیت قوانین تنظیمی	*
	کنترل فساد	*	کنترل فساد	*
*	*	*	دیدگاه راهبردی ^{۱۰}	

در چارچوب این شاخص‌ها، تعریف‌هایی از این نوع که: «حکمرانی تمامی فرایندهای حکومت‌داری است که دولت، بازار یا شبکه اجرا می‌کند؛ بر خانواده، قبیله، سازمان رسمی یا غیررسمی یا قلمرو اعمال می‌شود و با اجرای قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان جوامع سازمان‌یافته اعمال می‌شود (See: Bevir, 2013)، تکمیل شده و مفهوم می‌یابد. مهم‌تر اینکه، شاخص‌های یادشده اگر مفهوم‌گیری شود و در بافت و متنی که طرح شد، یعنی مطالعات توسعه با محوریت

1. Rule of Law
2. Transparency
3. Voice and Accountability
4. Responsiveness
5. Accountability
6. Participation
7. Effectiveness and Efficiency
8. Consensus Orientation
9. Political Instability and Violence
10. Strategic Vision

کشورهای جهان غیراول، تحلیل شود، بار ایدئولوژیکی خود را بهتر نشان داده و ضرورت‌های تعدیل و اصلاح مفهومی و بومی‌سازی آن را با رعایت و حفظ کارویژه‌هایی تأیید و تأکید می‌کند که برای حکمرانی تعریف شده است.

این مهم در دههٔ اخیر و متناسب با داشته‌ها و نباشته‌های داخلی اعم از ایرانی و اسلامی انجام شده و ادبیات قابل توجهی را ایجاد کرده است. در انتخاب عنوان این الگوها یا ادبیات و نظریه‌های حکمرانی با رویکرد بومی و دینی از تعابیر متفاوتی استفاده شده، اما شاید بتوان آنها را با عنوان کلی «حکمرانی اسلامی» معرفی کرد. جمع‌بندی تلاش‌های مربوط، به شرح جدول شماره ۲ قابل گزارش است.

جدول ۲. شاخص‌های حکمرانی اسلامی در مطالعات و تحقیقات ایرانی

صاحب نظر/ صاحب نظران	(حسینی تاش و واثق)	(درزی و صدریه)	(پردبار، ضرابی زاده و صالحی)	(جمشیدی)	(یامری، منشادی و اسلامی)	(میراحمدی و میراحمدی)	(درخشه و موسوی نیا)
سال نشر	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۷
مشخصات اثر	حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته: بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام	نگرشی میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب؛ زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه	ارائه الگوی حکمرانی خدایدار	سیاست برتر از حکومت: مبانی و چیستی حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی علامه صدر	سیاست عملی و فنون حکمرانی امام علی(ع): مطالعه موردی حکومت‌مندی در نامه‌های نهج‌البلاغه	جایگاه دانش سیاسی و مدیریت در علوم حکمرانی	مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص)
عنوان انتخابی	حکمرانی شایسته	حکمرانی صحیح	حکمرانی خدایدار	حکمرانی نیک	حکمرانی مطلوب	حکمرانی صالح	حکمرانی شایسته
شاخص‌های مورد تأکید	پاسخ‌گویی	صدا و پاسخ‌گویی	مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	مردم‌محوری (پاسخ‌گویی و مشارکت‌جویی)؛ مسئولیت‌پذیری	*	*	پاسخ‌گویی
	قانون‌مداری	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون	تکیه بر شریعت الهی	وفای به عهد و پیمان	*	قانون‌گرایی
	شفافیت	*	صراحت و روشنی در اهداف؛ شفافیت اطلاعاتی	(قانون‌محوری و شفاف‌سازی)	*	*	شفافیت

ادامه جدول ۲. شاخص‌های حکمرانی اسلامی در مطالعات و تحقیقات ایرانی

صاحب نظر/ صاحب نظران	(حسینی تاش و واثق)	(درزی و صدریه)	(بردبار، ضرابی زاده و صالحی)	(جمشیدی)	(بامری، منشادی و اسلامی)	(میراحمدی و میراحمدی)	(درخشه و موسوی نیا)
سال نشر	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۷
شاخص‌های مورد تأکید	کارایی و اثربخشی	اثربخشی دولت	کارایی دولت اثربخشی و	امانت‌محور (اثربخشی و کارایی)	*	*	اثربخشی
	مبارزه با فساد	کنترل فساد	کنترل و نظارت بر زیرمجموعه؛ مبارزه با فساد	*	کنترل و نظارت	*	فسادستیزی
	*	اعتقاد حکمرانان به خداوند	خدمت‌محوری	*	*	*	*
	*	توجه حکمرانان به پیاده‌سازی سنت پیامبر(ص)	*	اسوه‌پذیری متعالی	*	*	رفق و مدارا
	*	داشتن تقوا	*	*	ایمان و تقوا	*	*
	*	*	تأمین آزادی مشروع مردم	*	*	*	*
	*	*	مشارکت	وحدت‌گرایی (اجماع‌محوری)	مردم‌سالاربودن حکمران؛ پرهیز از استبداد؛ جلب افکار عمومی	*	مشارکت‌طلبی
	*	*	عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری	*	رعایت حقوق مردم	*	عدالت‌محوری
	*	*	شایسته‌سالاری	*	تقسیم‌بندی اقتدار اجتماعی بر اساس کار و مسئولیت	*	*
	*	*	ثبات سیاسی	*	*	*	*
	*	*	کاهش فقر	*	*	*	*
	*	*	دوام و پایداری	*	*	*	*
	*	*	اهتمام به علم	*	*	*	*
	*	*	*	*	پرهیز از تصمیم‌گیری در هنگام خشم	*	*
*	*	*	*	رشد جمعی	*	*	

در مقام تحلیل، شاخص‌های مورد توجه نظریه‌پردازان در چارچوب حکمرانی اسلامی یا حکمرانی مبتنی بر دین و آموزه‌های دینی یا اقتضانات بومی «می‌تواند» و به تعبیر بهتر، «باید» دارای سه بُعد اساسی باشد: بُعد فردی، بُعد سازمانی، بُعد اجتماعی. این سه بُعد و مصداق‌های آن در جدول شماره ۳ استنباط و استخراج شده است.

جدول ۳. ابعاد حکمرانی اسلامی بر پایه یافته‌های پژوهش‌های مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی (بومی)

ابعاد	شاخص‌های برشمرده شده در ادبیات دینی						
بند سازمانی حکمرانی اسلامی	پاسخ‌گویی	*	*	مردم‌محوری (پاسخگویی و مشارکت‌جویی)؛ مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	صدا و پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی
	قانون‌مداری	*	وفای به عهد و پیمان	تکیه بر شریعت الهی (قانون‌محوری و شفاف‌سازی)	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون	قانون
	شفافیت	*	*		صراحت و روشنی در اهداف؛ شفافیت اطلاعاتی	*	شفافیت
	اثربخشی	*	*	امانت‌محور (اثربخشی و کارایی)	اثربخشی و کارایی دولت	اثربخشی دولت	کارایی و اثربخشی
	فسادستیزی	*	کنترل و نظارت	*	کنترل و نظارت بر زیرمجموعه؛ مبارزه با فساد	کنترل فساد	مبارزه با فساد
بند فردی حکمرانی اسلامی	*	*	*	*	خدای‌محوری	اعتقاد حکمرانان به خداوند	*
	*	*	*	اسوه‌پذیری متعالی	*	توجه حکمرانان به پیاده‌سازی سنت پیامبر(ص)	*
	*	*	ایمان و تقوا	*	*	داشتن تقوا	*
بند اجتماعی حکمرانی اسلامی	*	*	پرهیز از تصمیم‌گیری در هنگام خشم	*	*	*	*
	*	*	*	*	تأمین آزادی مشروع مردم	*	*
	مشارکت‌طلبی	*	مردمی‌بودن حکمران؛ پرهیز از استبداد؛ جلب افکار عمومی	وحدت‌گرایی (اجماع‌محوری)	مشارکت	*	*

ادامه جدول ۳. ابعاد حکمرانی اسلامی بر پایه یافته‌های پژوهش‌های مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی (بومی)

ابعاد	شاخص‌های برشمرده شده در ادبیات دینی						
	ابعاد اجتماعی حکمرانی اسلامی	*	*	رعایت حقوق مردم	*	عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری	*
*		*	تقسیم‌بندی اقشار اجتماعی بر اساس کار و مسئولیت	*	شایسته‌سالاری	*	*
*		*	*	*	ثبات سیاسی	*	*
*		*	*	*	کاهش فقر	*	*
*		*	*	*	دوام و پایداری	*	*
*		*	*	*	اهتمام به علم	*	*
*		رشد جمعی	*	*	*	*	*
*		رفق و مدارا	*	*	*	*	*

منبع: پژوهشگر

تمایزی که این تحلیل در حکمرانی با رویکرد اسلامی و بومی با غیر بومی نشان می‌دهد با لایه‌های فردی و اجتماعی مرتبط است. در نگاه نخست، بعد سازمانی نیز می‌تواند در درون بعد اجتماعی منظور شود، چرا که سازمان، محصولی جمعی و اجتماعی است و شاخص‌های آن، همانندی‌هایی نیز دارد، اما با رویکرد اسلامی، این دو بعد باید برجسته شود. این بایستگی، برآیند نظام انسان‌شناختی اسلام است که انسان را در هر حال و محلی مسئول دانسته و مسئولیت او را محدود به جنبه‌های رسمی و حقوقی نمی‌داند. به تعبیر دیگر، در نگاه دینی، مسئولیت و مأموریت که در سطح سازمانی برجسته و محور است، جای خود را به رسالت و تکلیف می‌دهد که در بعد و نگاه اجتماعی اسلام، قابل ردیابی و صورت‌بندی است. حدیث شریف «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۷۲، ۳۸) به‌تنهایی برای تأیید اجمالی این داعیه بسنده می‌کند، هرچند گزاره‌های بسیار دیگری نیز هست که دلالت دارد انسان در مقام انسانیت خود، سرانجام نقش «کارگزاری» دارد و «ساختارها»، همیشه و همه‌جا نمی‌تواند از او سلب مسئولیت و فردیت انسانی او را سلب کند. از این رو و با توجه به مسئول بودن انسان در جهان‌بینی اسلامی از جهت انسان بودن او، مستلزم توجه به اقتضائات و شاخص‌هایی است که نسبت به جامعه و سازمان، متفاوت و مستقل از هم است. بر این پایه شناخت و صورت‌بندی نظری حکمرانی اسلامی در مقام تأکید بر امتیازات و متمایزات آن، باید افزون بر بُعد سازمانی، بر ابعاد فردی و اجتماعی و شاخص‌های هر بُعد متمرکز باشد.

این پژوهش، از نظر نوع، کیفی و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. «تحلیل محتوا، روشی است برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد واقعیت اجتماعی که در آن از مشخصه‌های یک متن ثبت شده (بارز) در مورد مشخصه‌های یک متن ثبت نشده (غیربارز) نتیجه‌گیری می‌شود» (مرتین، ۱۹۸۳ به نقل از: محمدی مهر، ۱۳۸۷: ۲۸)

روش تحلیل محتوای کیفی با دو رهیافت انجام می‌شود: قیاسی و استقرایی. در رهیافت استقرایی، مراحل نوعی این روش عبارت است از: آماده‌سازی داده‌ها؛ تعریف واحد تحلیل؛ تعیین طرح شناسه-بندی، شناسه‌بندی تمام متن؛ ارزیابی هم‌سازی مقوله‌ها؛ استنتاج از داده‌های شناسه‌بندی شده؛ گزارش روش‌ها و یافته‌ها.

فرایند اجرای این روش با رهیافت استقرایی به شرح تصویر شماره ۱ است.



شکل ۱. فرایند اجرای روش تحلیل محتوای کیفی (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲، ۱۰۳)

در راستای روش پژوهش پیش‌گفته، سخنان و بیاناتی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد سردار سلیمانی داشتند، به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شد، چراکه از جهاتی برتری و اولویت داشت؛ ویژگی فقاقت و عدالت، داده‌ها و بیانات ایشان در مورد سردار سلیمانی را هرچند اندک و کلی و در حد کفایت و با یک اشارت بود، بیش از هر سند دیگری معتبر و قابل استناد بود؛ ارتباط و پیوند ایشان با سردار سلیمانی به‌دلایل شغلی و ارادت سردار سلیمانی به شخصیت حقیقی و حقوقی نهاد ولایت، از باب «المؤمن مرآه المؤمن» (مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۷۴، ۲۶۶)، اگرچه شاید نیم‌رخ از هر یک را در آینه گفتار و رفتار دیگری متجلی می‌سازد، اما همین نیمه نیز بیش از هر چهره تمام‌رخ دیگر می‌تواند محل استناد و استشهاد باشد.

پس از جستجو در وبگاه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری^۱ بیانات مستقیم ایشان که دربرگیرنده توصیفی از سردار سلیمانی بود شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت. موارد منتخب در این مرحله به شرح جدول شماره ۴ است.

جدول ۴. منابع گردآوری داده‌ها

تاریخ	مدرک
۱۳۹۵/۰۳/۳۱	بیانات در دیدار شاعران
۱۳۹۸/۱۰/۱۳	پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او
۱۳۹۸/۱۰/۱۳	بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی
۱۳۹۸/۱۰/۱۸	بیانات در دیدار مردم قم
۱۳۹۷/۱۰/۲۷	خطبه‌های نماز جمعه تهران

پردازش اطلاعات

باتوجه به روش انتخابی، متن پیام‌ها چندباره خوانی شد و بر اساس چارچوب نظری بحث، شناسه‌هایی که در برگزیده ویژگی‌های ممتاز و متمایز سردار سلیمانی بود استخراج و در جدولی درج شد. تعداد ۲۷ شناسه که مرتبط با شخصیت سردار سلیمانی به‌عنوان الگو یا نمونه و الگوی قابل معرفی به جامعه بود استخراج شد. سیاق بیانات و متن طرح آنها که خطابی بود و ویژگی ارشادی داشت برای انتخاب شناسه‌های مناسب (دارای وجه اجتماعی و عمومی و نه تنها توصیفی و شخصی) مورد رعایت و ملاحظه قرار گرفت. شناسه‌ها در پنج گروه و دو مقوله دسته‌بندی شد؛ سپس فرایند انتزاع صورت گرفت تا نظام مفهومی آنها تبیین شود. در این مرحله، نظام از مفاهیم خود را نشان داد که با عنوان «حکمرانی جهادی» هویت نظری پیدا کرده است. شرح شناسه‌ها، گروه‌ها و مقوله‌ها در جدول شماره ۵ است.

جدول ۵. شناسه‌ها، گروه‌ها، مقوله‌ها و نظام مفهومی انتزاع‌شده

نظام مفهومی انتزاع‌شده	مقوله	گروه‌ها	شناسه‌ها
حکمرانی جهادی	ابعاد فردی	مبناگرایی	التزام به شریعت، تربیت‌شده اسلام و مکتب امام، بهره‌مندی و برخورداری از مکتب سیاسی، توجه به سیره سیاسی امام خمینی ^(ع) ، جامعیت، رعایت اصول در دیگر حوزه‌ها
		تقدم جهاد اکبر	تقدم جهاد درونی، تداوم در انگیزه و عمل، شجاعت در چارچوب عقلانیت، اخلاص و دوری از تظاهر، پرهیز از خودنمایی، بی‌پروایی، آرزوی شهادت، شوق و اشتیاق برای شهادت، زبان و بیان سنجیده
		مجاهدت	تلاش‌گری و عاملیت، تلاش با اخلاص و شجاعانه، ارتباطات فرانسائی با ولایت
	ابعاد اجتماعی	شبکه‌سازی ایمانی	شبکه‌ رفافتی، توانمندسازی، هم‌کنشی، شناسایی و بکارگیری تمامی منابع موجود، دشمن‌شناسی فرهنگی
اثربخشی برکت‌محور		تأثیر بر و همراهی اعضای خانواده، اثربخشی، نتیجه‌گرایی، تأثیرگذاری در سطوح بین‌المللی	

تبیین یافته‌ها

ادبیات الگوی حکمرانی سردار سلیمانی به جهاد و مجاهدت نزدیک است، چراکه توصیفات ارایه‌شده از ایشان و نیز نقش و جایگاهی که داشتند، بیشتر در رسانه‌ها و اذهان عمومی جامعه، دفاعی و جهادی بود. از این‌رو الگوهایی که در این مرحله از معرفی شخص و شخصیت سردار سلیمانی خود را نشان می‌دهد به‌طور طبیعی و بدیهی با آن بافت و زمینه، هم‌خوانی پیدا می‌کند. الگوی یادشده در دو بعد فردی و اجتماعی که مابه‌الامتياز الگوهای حکمرانی اسلامی است از شاخص‌های متفاوتی برخوردار است. این تفاوت‌ها می‌تواند ویژه سردار سلیمانی بوده و به همین دلیل به‌جز الزام بافت و زمینه، باید متناسب با این ویژگی‌ها و امتیازات هم‌عنوانی جدا برای آن انتخاب کرد. به‌نظر می‌رسد «حکمرانی جهادی»، الگویی است که می‌تواند وجه حکمرانی شخص و شخصیت سردار سلیمانی را توضیح دهد. ابعاد و شاخص‌های این الگو به‌شرح زیر است:

بعد فردی

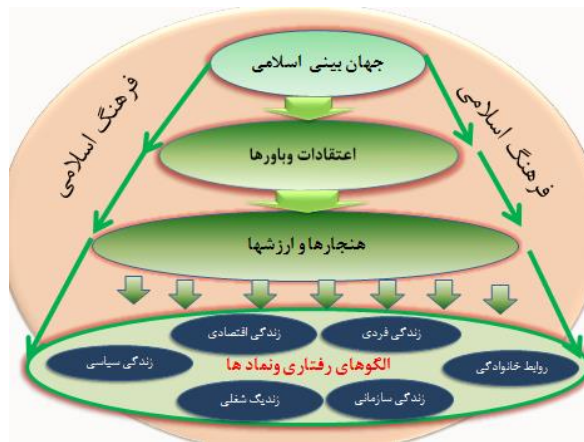
در این بُعد، شاخص‌هایی مورد توجه است که به شخص و شخصیت فردی سردار سلیمانی معطوف است و بیشتر در ارتباط او و خدا موضوعیت دارد، چه در این ارتباط، افراد دیگری نیز غیرمستقیم، مربوط و داخل شوند و چه چنین ارتباط و ورودی را نتوان ردیابی کرد.

مبناگرایی

مکاتب هر کدام مبنا یا مبناهایی دارند که کانون و دال مرکزی و محوری گفتمان‌سازی آنها را تشکیل می‌دهد و در هیچ بستر و شرایطی آن را رها نکرده یا نمی‌توانند رها کنند، چراکه هویت و ماهیت آنها را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین رکن حکمرانی جهادی، التزام به مبانی راستین و اساسی دینی (اسلامی) است که جوهره و شالوده این الگو را تشکیل می‌دهد. مبنا یا یادشده در تشکیل، تکمیل، تکوین و تداوم حکمرانی جهادی موضوعیت داشته و آن را همراهی می‌کند. همین خاستگاه به نیت‌ها، انگیزه‌ها و رفتارها شکل می‌دهد و سمت‌وسوی آن را تعیین می‌کند؛ هم‌چنین حکمرانی را تحدید حدود کرده و قیدهایی برای آن در نظر می‌گیرد. از جمله گزاره‌هایی که در میان داده‌ها و اطلاعات پژوهش، این معنا را دلالت دارد، می‌توان به بیان زیر اشاره کرد:

یک خصوصیت دیگر این بود که هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، هم در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او نه، او مراقب بود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

داده‌ها و اطلاعات برآمده از پژوهش به‌ویژه تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در پیام تسلیت (۱۳۹۸/۱۰/۱۳) نسبت به ایشان مبنی بر اینکه وی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌یافتگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود، نشان می‌دهد این ویژگی، به تعبیر قرآنی، دأب و رسم زندگی فردی و اجتماعی سردار سلیمانی بوده است. بر اساس چنین توصیفاتی، الگویی که می‌تواند حکمرانی جهادی مبتنی بر مبانی و اقتضائات دینی و اسلامی را به‌تصویر بکشد، در قالب شکل شماره ۲ ترسیم شده است.



شکل ۲. مبانی و تأثیر آن در فرایند حکمرانی جهادی (منبع: محقق)

برابر این الگو، کنش‌گران عرصه حکمرانی جهادی، مبانی را در تمام ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی خود تجلی بخشیده و دخالت می‌دهند و مصالح را در چارچوب همین مبانی، مورد رعایت و ملاحظه قرار می‌دهند.

تقدم جهاد اکبر

حکمرانی جهادی برابر روایتی تاریخی از پیامبر گرامی اسلام (ص) با جهاد اکبر تکمیل می‌شود^۱، اما تقدیم و تأخیر آن در ظاهر پیرو اقتضائات است. در صورت نبود ظهور شرایط و ضرورت برای اجرای احکام ثانویه و برابر قاعده‌الاهم فی‌الاهم این جهاد اکبر است که اولویت و اهمیت پیدا می‌کند و سیاق ادبیات فقه جهادی نیز اقتضای همین بحث را دارد. قرآن کریم با قرین‌ساختن جهاد اصغر به گزاره «فی سبیل الله»^۲ در آیات متعدد، چنین قرابت و التزامی را تأیید و تصریح کرده است. در حکمرانی جهادی، بیش و پیش از هر چیز، جهاد اکبر و مداومت بر آن و حتی افزایش دقت و رعایت آن در گذر زمان اهمیت پیدا می‌کند، چرا که حکمرانی عرصه شکست‌ها و پیروزی‌های پرتأثیر بر روح و روان انسان و گروه‌های انسانی است و در نبود این شاخص، افول و رفتار بر مبانی و مبادی وجه غیرالهی و غیرملکوتی انسان افزایش احتمال پیدا می‌کند. نمونه‌ها و مصداق‌های این گزاره در طول تاریخ بسیار است و در برابر، روایت‌های مخالف آن، معدود و محدود است.

مجاهدت

حکمرانی جهادی، همراهی نظر و عمل است. هر دو وجه در حد اعتدال رعایت شده و همراهی هر دو مطلوب و مورد مطالبه است. حکمرانی جهادی، نه گوشه‌نشینی و طرح‌ریزی در خلاء را دنبال می‌کند، نه حرکت بی‌اندیشه و بی‌مبنا را. برخلاف ذات حکمرانی و مراتب پایین‌تر آن که می‌تواند سیاست‌گذاری باشد حکمرانی جهادی تنها به ریل‌گذاری برای حرکت دیگر سامانه‌ها اکتفا نکرده، خود بیش و پیش از هر کنشگر دیگری حرکت می‌کند. این تلاش، جهادی است و مجاهدت می‌تواند کنه و معنای عمیق آن را تبیین کند، چرا که هم به‌لحاظ لغوی دلالت بر تلاشی همراه مشقت و سختی داشته و کوشش معمولی و متعارف نیست، بلکه بذل نهایت توان و امکان است و نیز تنها محدود به

۱. ان رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرَّحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ لَهُمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ (مفید، بی‌تا: ج ۱، ۲۴۰).

۲. برای نمونه در سوره مبارکه نساء، آیات شریفه ۹۵ و ۹۶.

دفاع و عرصه‌های نظامی نیست، بلکه مبارزات علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۱۰).

بُعد اجتماعی

شاخص‌های این بُعد در ارتباط با دیگران مفهوم و معنا پیدا می‌کند. انسانی که در ارتباط با دیگران قرار می‌گیرد فرصت‌ها و توان‌هایی برای شکل‌دهی به شاخص‌هایی پیدا می‌کند که در فضاها فردی و شخصی امکان بروز یا برجسته‌شدن ندارد.

شبکه‌سازی ایمانی

شبکه یکی از ارکان و ابزارهای حکمرانی است. کمترین شبکه‌ای که باید برای تبلور حکمرانی و پیدایش زمینه اجرای آن شکل گیرد بین دولت، جامعه و بازار است (زهیری، ۱۳۹۴: ۹۴). قرارگیری افراد/نهادهای در شبکه‌ها، به جهت جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، آنها را در چارچوب قدرتی نامحسوس و اهرم‌هایی نامرئی قرار می‌دهد که جنبه تشویقی یا تنبیهی دارد و تمکین آنها از نظام قدرت را به همراه دارد، بی‌آنکه ناخشنود باشند. «حکومت‌مندی^۱» در مفهوم فوکویی و حتی با طرحی که بنت^۲ مطرح کرده (امین فر و هاشمیان، ۱۳۹۳) می‌تواند پشتوانه نظری این بحث به‌شمار آید. شبکه‌سازی فردی و سازمانی در سال‌های اخیر به همین‌منظور رشد یافته است. بخش عمده‌ای از شبکه‌ها به‌ویژه در چارچوب نظام حکمرانی بر محور و مدار سودمندی و بیشتر هم سود مادی شکل گرفته است که مأموریت و مسئولیت حفظ و تضمین یا پیشینه‌سازی آن را دنبال می‌کند. در برابر این رویکرد از حکمرانی، شبکه‌سازی ایمانی قرار می‌گیرد که رفاقتی و نه رقابتی است. «رفق» به معنی مدارا و رفیق به معنی «مداراکننده، دوست و همراه» است. قرآن کریم (سوره مبارکه نساء، آیه شریفه ۶۹) مصداق‌های این وصف را انبیا، صدیقان، شهدا و صالحان معرفی می‌کند. در این نوع شبکه‌سازی مصالح به‌جای منافع قرار می‌گیرد و کانون شبکه از «هم‌سودی» به «هم‌سوایی» تغییر می‌یابد.

سردار سلیمانی در حکمرانی جهادی خود که با محوریت بن‌مایه‌ای ارزشی به نام «مقاومت» دنبال می‌شد، این مبانی را هم در معنای مدارا و هم در معنای دوستی دنبال می‌کرد. بخش نخست مربوط به کسانی بود که تمایل به تعارض داشتند، اگرچه شاید آن را آشکار نمی‌کردند و بخش دوم مربوط به کسانی بود که هوادار و هواخواه بوده و به‌لحاظ ارزشی و هنجاری، هم‌سو به‌شمار می‌آمدند.

1. Governmentality
2. Tony Bennett

ریشه‌های چنین گرایش‌هایی در سنت و سیره نبوی قابل ردیابی است (درخشه و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۵).

اثربخشی برکت‌گرا

بر حسب ظاهر «اثربخشی» مفهوم و جوهره یا غایت و مقصود نهایی حکمرانی و رهیافت‌های گوناگون آن را تشکیل می‌دهد. اشتراک تأکید بر این ویژگی به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در حکمرانی می‌تواند جایگاه و ارزش ماهوی این بحث را نشان دهد.

حکمرانی فرهنگی در مکتب سردار سلیمانی اگرچه بی‌توجه به نتیجه و تأثیرگذاری نیست و تنها کوشش و التزام به تکلیف را اصل و مبنا قرار نداده و برای بهره‌دهی تلاش‌ها نیز برنامه و جهت‌گیری دارد، توجه و تمرکز بر «برکت‌دهی» آن است. البته این مؤلفه، برآیند و دستاورد «اخلاص» است و جداسازی آن به دلیل وزن و اهمیتی است که می‌تواند در حکمرانی فرهنگی و هرگونه فعالیت فرهنگی دیگر داشته باشد. برکت از «برک» (بر وزن برگ) به معنی سینه شتر است و به تدریج در معنی ثبوت و دوام و استقرار چیزی به کار رفته و به هر نعمتی که پایدار بماند (در برابر موجودات بی‌برکت و فانی) اطلاق می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۹۲). این وصف اگرچه در برابر «متعالی» قرار نمی‌گیرد، از جهاتی برتر و اسلامی‌تر و حتی انسانی‌تر از حکمرانی متعالی می‌تواند باشد، چراکه حکمرانی متعالی با توجه به معنای ماده آن که از علو و بلندی و برتری گرفته شده، نوعی خاص و منحصربه‌فرد بودن را به ذهن می‌رساند. این ویژگی (متعالی) می‌تواند ناظر بر الگوی حکمرانی باشد یا ناظر بر محتوا و جهت‌گیری آن، که در هر دو صورت باید در خاستگاه فکری یا معرفتی خاصی آن را محصور کرد و توان معرفی و صدور آن می‌تواند به چالش کشیده شود. در حالی که رویکرد و محور اسلام و آموزه‌های آن و به‌طور طبیعی کسانی که در این بافت، رشد و تکامل یافته‌اند «رحمه للعالمین» است (ارسطا و حبیب‌نژاد، ۱۳۹۴) و در پی نجات انسان و هدایت بخوعانه نوع انسان هستند. بر این پایه در حکمرانی فرهنگی مبتنی بر این نظام معرفتی، تنها تکامل و اعتلای الگو مطرح نیست، بلکه کاربست آن برای گستره‌ای بیشینه با دستاوردهایی فزاینده و فراگیر مورد توجه است و البته چنین هدفی به‌سادگی و با سازوکارهای زمینی و معمولی به‌دست نمی‌آید. به همین دلیل به زمینه‌ها و سازوکارهایی توسل جسته می‌شود که در همان خاستگاه معرفتی، معرفی و تجربه شده است، اما آثار و دستاوردهایش تنها برای بانی و بنیان‌گذار آن محدود نیست و می‌تواند تمام عالم خلقت را در بر بگیرد. تعبیر کوتاه از تفاوت حکمرانی متعالی و برکت‌محور می‌تواند این

باشد که اولی، می‌تواند مرزبردار باشد و بر اساس باورها یا نظام معرفتی خاصی، خودی و دیگری ایجاد کند و دومی، مرزبردار نیست و یا دست‌کم خودی و غیرسازی آن، به ترتیب حداکثری و حداقلی است. این شاخص در بیان مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) چنین تصویر شده است:

عزیزان من، برادران و خواهران نمازگزار! اخلاص برکت دارد. هر جا اخلاص بود، خدای متعال به اخلاص بندگان مخلصش برکت می‌دهد. کار برکت پیدا می‌کند. رشد و نمو پیدا می‌کند. کار به‌گونه‌ای می‌شود که اثر آن به همه می‌رسد. برکات آن در میان مردم باقی می‌ماند. این ناشی از اخلاص است. نتیجه آن اخلاص، همین عشق و وفاداری مردم، همین اشک و آه مردم، همین حضور مردم، همین تازه‌شدن روحیه انقلابی مردم است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

نتیجه‌گیری

حکمرانی با شاخص‌های اصلی و عمده‌ای چون حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، شفافیت و اثربخشی شناخته می‌شود. وجه مشترک این شاخص‌ها، تمرکز آنها بر سیاست‌ها یا ابزارهای بیرونی است. در این چارچوب تلاش می‌شود با کمک قانون، به‌گونه‌ای ساختارها تعریف و طرح‌ریزی شود که سامانه‌های اجتماعی به‌سمت بهبود و بهینه‌سازی پیش رفته و همراه با کاستن از آسیب‌ها و ضعف‌ها، در پیشبرد اهداف و مأموریت‌ها، موفق‌تر عمل کند. بر این پایه، به‌نظر می‌رسد حکمرانی هم‌چنان از توجه به درون انسان و ریشه‌های درونی رفتارهای اجتماعی انسان غافل است، یا در مهار و مدیریت آن، ناتوانی ضمنی خود را اعلام می‌دارد.

جهان‌بینی اسلامی چه به‌صورت نظری و چه به‌صورت عملی آن (که در سیره بزرگان این دین، امکان شناسایی و ردیابی دارد). تمرکز و توجهی محوری به سازوکارهای درونی برای بهبود حکمرانی‌ها دارد و به‌نظر می‌رسد توجیه این توجه، ریشه در انسان‌شناسی اسلامی داشته باشد، با این توضیح که به‌نظر می‌رسد طراحی هر سازوکاری برای بهبود حکمرانی در جوامع انسانی، سرانجام محدود به حد و مرزی می‌شود و نمی‌تواند انسان را در ساحت‌های غیراجتماعی، به‌ویژه ساحت‌های فردی و شخصی خود، راهبری و واپایش کامل و تمام‌عیار کند. حتی اگر حکمرانی با تمام سازوکارهایش، از مرز «بدن» که شخصی‌ترین مرز و حد مشخص و روشن در برابر مرزهای اجتماعی است گذر کند نمی‌تواند وارد حریم درونی و اندرونی انسان‌ها که همان فکر و ذهن آنهاست بشود و آنها را در این ساحت، پیرو خواسته‌های حکمرانی کند. اینجاست که تقویت سازوکارهای دیگری

برای تکمیل و بهبود و ارتقای حکمرانی، اهمیت و موضوعیت پیدا می‌کند و در همین راستا، الگوهای گوناگونی از سوی اندیشه‌ورزان ایرانی و مسلمان پیشنهاد شده است. را شکوفا نماید.

الگوی حکمرانی جهادی که برگرفته از سیره سردار سلیمانی است، یکی از الگوهای عینی و به‌روز و پیاده‌شده در حوزه حکمرانی است که توانسته نسبت‌های ممکن و هم‌افزا در ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی را ترسیم و اجرایی کند. این الگو به مبناهایی توجه دارد که به‌نظر می‌رسد جنبه «خیر در مجموع» را داشته باشد به این معنا که اگر به‌درستی شناسایی و تحت تربیت و هدایت قرار گیرد می‌تواند خودکار و هم‌افزا، دیگر ابعاد وجود انسان را شکوفا کند که برای شخص و فرد و موقعیت انسانی او و نیز جامعه و اجتماع انسانی مفید و مؤثر باشد و در هماهنگی با نظام آفرینش، زمینه‌های تعالی و بالندگی اجتماعات انسانی و حتی جامعه بشری را فراهم کند. در این مسیر، تنها متغیرهای مادی و فیزیکی در نظام حکمرانی، تأثیرگذار نیست و می‌توان ظرفیت‌های معنوی و فرامادی را نیز برای بهبود حکمرانی و حرکت به‌سوی حکمرانی مطلوب و آرمانی و متعالی به‌یاری طلبید یا حتی به‌خدمت گرفت.

فهرست منابع

- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸/۱۰/۲۷). **بیانات، خطبه‌های نماز جمعه**، تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی).
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). **بیانات، دیدار با مردم قم**، تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی).
- ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۳). **تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع)**، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ارسطا، محمدجواد و حبیب‌نژاد، سید احمد (۱۳۹۴). **اصل رحمت در حکمرانی از منظر قرآن کریم، قرآن، فقه و حقوق اسلامی (۳)**، ۱۹۴ - ۱۷۱.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). **مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی**. تهران: جامعه‌شناسان.
- الوانی، مهدی و علیزاده ثانی، محسن (بی تا)، **تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت**، ۲۳ - ۱.
- امین‌فر، صبورا و هاشمیان، سید محمدحسین (۱۳۹۳). **نقد و بررسی نظریه حکومت‌مندی بنت در قلمرو سیاست فرهنگی، دین و سیاست فرهنگی**، (۳): ۱۲۷ - ۹۹.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). **روش‌شناسی تحقیقات کیفی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بامری، نصرت؛ منشادی، مرتضی و اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۶). **سیاست عملی و فنون حکمرانی امام علی (ع): مطالعه موردی حکومت‌مندی در نامه‌های نهج‌البلاغه، پژوهش‌های نهج‌البلاغه**، (۵): ۱۹ - ۸۳.
- بردبار، غلامرضا؛ ضرابی‌زاده، شیما و صالحی، طاهره (۱۳۹۴). **ارائه الگوی حکمرانی خدامدار، مدیریت اسلامی**، (۲۳): ۲ - ۴۱ - ۹.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۸). **فرهنگ و تمدن**، تهران: نشر نی.
- جاسبی، جواد و نفری، ندا (۱۳۸۸). **طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران**، ۱۱۷ - ۸۵.
- جمشیدی، م. (۱۳۹۶). **سیاست برتر از حکومت: مبانی و چیستی حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی علامه صدر، پژوهش حوزه**، (۵۲): ۱۵۹ - ۱۵۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**. قم: اسراء.
- حسینی‌تاش، سیدعلی و واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). **حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته: بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی**، ۲۸ - ۷.

- حیدری فر، سجاد. (۱۳۹۶). «تحول مفهوم حکمرانی جهانی در روابط بین الملل». *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی*، ۱۷۸ - ۱۴۹.
- درخشه، جلال و موسوی نیا، سید مهدی (۱۳۹۷). مؤلفه های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، پژوهش های علم و دین، (۹): ۲۸ - ۱.
- درزی، قاسم و صدریه، پیام (۱۳۹۴). نگرشی میان رشته ای به حکمرانی خوب؛ زمینه مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه، النهج، (۴۶): ۱۲۶ - ۱۰۳.
- رجائی، امیر (۱۳۹۶). بررسی وضعیت حکمرانی در بخش آموزش از منظر نظام ارتباطی آن در کشورهای جهان، سیاست نامه علم و فناوری، ۳۴ - ۲۵.
- رضائی، حسن و توحیدفام، محمد (۱۳۹۷). نسبت سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم سالاری دینی (با تأکید بر شاخص های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی)، راهبرد، (۲۷): ۸۹ - ۶۵ - ۳۵.
- زهیری، علیرضا (۱۳۹۴). نسبت سنجی بوم شناسانه الگوی حکمرانی خوب، علوم سیاسی، ۱۱۱ - ۸۷.
- ساعی، علی و کبیری، افشار (۱۳۹۰). تحلیل تطبیقی کیفیت حکمرانی: مطالعه بین کشوری با رویکرد فازی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱۰ - ۶۱.
- سلیمی، جلیل و مکنون، رضا (۱۳۹۷). فراتحلیل کیفی پژوهش های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران، مدیریت دولتی، (۱۰): ۳۰ - ۱.
- شریعتمداری، جعفر (۱۳۷۴). شرح و تفسیر لغات قرآن کریم بر اساس تفسیر نمونه، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۸). اصول سیاست فرهنگی، اهداف، مبانی، اصول، منبها و خط مشی.
- علویان، مرتضی و زارع پور، محمد (۱۳۹۶). شاخص های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت الله جوادی آملی، پژوهش های سیاست اسلامی، (۱۱): ۶۰ - ۳۷.
- عیوضی، محمدرحیم؛ مرزبان، نازنین و صالحی، معصومه (۱۳۹۶). از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار، فصلنامه راهبرد، (۲۶): ۸۵ - ۵۵ - ۵۵.
- فاستر، مایکل (۱۳۸۰). خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه ج. شیخ الاسلامی، تهران: امیرکبیر.
- محمدرحیم، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱، تهران: جامعه شناسان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار، جلد ۷۲، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴). بحار الانوار، جلد ۷۴، تهران: اسلامیه.

- محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۸۷). *روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)*، تهران: گنجینه علوم انسانی: دانش نگار.
- مدرسه حکمرانی شهید بهشتی (۱۳۹۶). *مطالعات توجیهی تأسیس مدرسه حکمرانی*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مشتاق مهر، رحمان (۱۳۸۵). *حکمرانی آرمانی ایرانیان در اندرزنامه‌های جاویدان خرد، پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۹۸ - ۸۵.
- معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین*، تهران: آدنا؛ کتاب راه نو.
- مفتح، محمدهادی؛ قاسمی، غلامعلی و کردنژاد، نسرين (۱۳۹۴). *امکان‌سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۷۵ - ۱۵۱.
- مفید، محمدبن محمد (بی‌تا). *الاختصاص*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- موسی پور، نعمت‌الله (۱۳۹۲). *سبک زندگی آموزش‌گران علوم انسانی در محیط‌های دانشگاهی ایران: از آرمان‌های دینی تا واقعیت‌های سازمانی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۳۰ - ۱.
- میدری و خیرخواهان (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب، بنیان توسعه*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میراحمدی، منصور و میراحمدی، علی (۱۳۹۷). *جایگاه دانش سیاسی و مدیریت در علوم حکمرانی، چشم‌انداز مدیریت دولتی*، (۹): ۴۳ - ۶۶ - ۴۳.
- میری، سیدمهدی و همکاران (۱۳۹۷). *در تکاپوی یکپارچگی در نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی: الگوی پیکره واحد حکمرانی و خط‌مشی عمومی، فصلنامه راهبرد*، ۱۹۲ - ۱۵۹.
- هیل، مایکل جیمز (۱۳۹۷). *اجرای خط‌مشی عمومی: حکمرانی در نظریه و عمل به انضمام مبحث ارزیابی خط‌مشی*، تهران: آذرین مهر.

Bevir, M (2013) **Governance: A very short introduction**. Oxford, UK: Oxford University Press.

Kooiman, J (1999) Social - political governance: overview, reflections and design. **public management**, (1), 67-69.

Jihadi rule

(An introduction to the analysis of Sardar Soleimani's biography from the point of view of the doctrines of governance)

By:

Mehdi Mazinani¹

Abstract

This research has analyzed the descriptions of the personal style and personality of General Soleimani in the words of the Supreme Leader from the point of view of the doctrines of governance, with the aim of identifying its advantages and distinctions and drawing a preliminary model based on the findings. In this regard, qualitative content analysis method was used. After analyzing the entire statistical sample of published statements about Sardar Soleimani, 27 identifiers were extracted from which five groups emerged. Finally, categories were formed in two dimensions, individual and social, which were theoretically explained with the conceptual system of "Jihadist rule" as an abstraction. The findings show that the model of jihadi governance with the centrality of the concept of jihad in its general sense, in terms of its foundations and origins, the concept of effectiveness and the place of jihad and the struggle of rulers in it, is different from other presented models, even domesticated models, and the aforementioned indicators are part of its content.

Keywords: governance, good governance, jihadi governance, individual and social dimensions, governance, school of Sardar Soleimani.

1. Lecturer at Aja Officer Universities, Tehran, Iran.

mazinanisaas@chmail.com